

■ نگین خلع سرشکی

ماچرا از یک بعدازظهر باییزی شروع می شود. زمانی که من در حال پیاده‌روی بودم و در پارک با صحنه‌ای ناخوشایند روبه‌رو شدم؛ صحنه‌ای که هیچ انسانی نباید تجربه کند چه برسد که آن انسان یک کودک چهار یا پنج ساله باشد؛ کودکی که برای چند دقیقه بیشتر بازی کردن به والدین خود التماس می کرد و آنها هم تربیت هیتلری را به جای صحبت کردن با او ترجیح دادند؛ تربیت هیتلری یعنی حق یا والد است و تنها حکم‌دهنده زندگی: تربیت هیتلری یعنی قتل عام احساسات یک کودک یک دفاع که مانند نهالی ضعیف در برابر هر بادی کمر خم می‌کند. کودکی که تحت تربیت هیتلری قرار می‌گیرد فقط یک چیز را در ذهن خود پندانه می‌کند که باید هر کاری را کوه و بر سر دیگران آوار کند. او یاد می‌گیرد هر جا کم آورد، داد بزند و قتل‌عام کند. او یاد می‌گیرد از یک تکه ماهیچه به نام زبان برای خرد کردن استخوان‌های دیگران استفاده کند. آن کودک هرگز از نظر عقلی و احساسی بزرگ نخواهد شد. عادت می‌کند تقابلی از قدرت کاذب به چهره بزند و سسلاق زبان خود را بر بدن احساسات دیگران روانه کند.

■ ■ ■

■ فرزندپروری واقعی، بزرگ پروری است

بی‌تردید فرزندپروری فقط به رشد دادن جسم کودک نیست. فرزندپروری به بزرگ پروری کودک است؛ بزرگ پروری یعنی اینکه به کودک خود یاد بدهیم گاهی باید چشم‌ها را بست و دهان را بسته‌تر نگه داشت؛ بزرگ پروری یعنی فرزندم لازم نیست به هر رفتاری از سمت دیگران واکنش نشان دهی؛ بزرگ پروری یعنی فرزندم از بخت خودت را از دیگران دریغ نکن، چنین کسی به حال خوب تو نیاز داشته باشد؛ بزرگ پروری یعنی فرزندم احترام خودت و دیگران را زیر سؤال نبر. کودک به واقع مثل همان نهال است که اگر در بستر و خاک مناسب قرار نگیرد، اگر هر نوع رفتاری در آن بروز خود نداشته باشد، اگر به آن آب مناسب و نور مناسب نرسد، به طور قطع خشک خواهد شد و جز یک ظاهر منفب و شکننده چیزی از آن باقی نخواهد ماند. بستر گوشه بنشینند تا دیگران امور را برای او پیش ببرند. او فقط یاد گرفته است ملکه یا پادشاه خانه باشد و دیگران مانند زیر دست برای او همه امور را حل و فصل کنند. آدم دلش برای این بچه‌ها می‌سوزد که چقدر در چنین کودک ما در آینده نمونه‌ای از رفتارهای ما خواهد شد.

راه‌ما

■ سیمین جم

پیامبران مبعوث شدند تا انسان را تربیت کنند، از این رو موضوع تربیت‌ت‌اهمیتی به بلندای تاریخ بشریت دارد. دین اسلام نیز در یک کلام مکتب تربیت است؛ تربیتی الهی که الگوهای سازز آن سیره چهارده معصوم(ع) و به طور خاص حضرت رسول اکرم(ص) است. نمونه شش‌خاص و متعالی تربیت فرزند را نیز در تربیت فاطمی می‌بینیم و با این اوصاف موضوع فرزندپروری در جامعه اسلامی ما اهمیتی بسزا دارد. بیانات روشن‌گرانه رهبر معظم انقلاب نیز بر این موضوع صخه می‌گذارد. فرمایشاتی آموزنده که عمدتاً روی نقش مهم مادر تأکید می‌کند و گزیده‌ای از آن را در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

۱- از زن مسلمان بایدسازد پر مهر و بر عطفوت و با سخنان پرکنکه و مهر آمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسان‌های بی‌عده، انسان‌های خوروشوحیه، انسان‌های سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان، زنان و شخصیت‌های جامعه را به وجود آورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و باارزش‌تر است. بزرگ‌ترین دانشمندان، ممکن است مثلا یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های قاره‌یما بسازند، و سایل تسخیر فضا

اگر مقابل کودک به یکدیگر دروغ می‌گویید و به اصطلاح یکدیگر را می‌بچانید، باید منتظر باشید که در نوجوانی او شما را ببیچاند و هزاران کار مخفیانه انجام دهد. اگر در مقابل کودک خود به والدین خود بی‌احترامی می‌کنید، باید منتظر باشید که یک روز در جوانی شما را زیر پای خود له کند. پس بستر نهال خود را پاکسازی کنید و کود مناسب به روان او دهید. تکیه‌گاه او همان اعتماد و باوری است که باید به کودک خود نشان دهید. اجازه دهید کودک احساس کند که شما به او اعتماد دارید و به او مسئولیت می‌سپارید. گاهی با کودک خود درد دل کنید یا سر خود را روی پاهای او بگذارید. اجازه دهید او احساس کند که در زندگی شما مهم و پر قدرت است. کودکی که اعتماد ببیند به طور قطع بهترین رفیق والدین خود خواهد بود و زیر و بم زندگی خود را با آنها در میان خواهد گذاشت. آب و نور مناسب هم کلام، رفتار و توجه شماست. اگر زبانتان برای او مانند اسلحه باشد، به طور قطع یک روز علیه شما شلیک خواهد کرد. همیشه یادتان باشد کودکی که دیده و شنیده شود و از والدین خود توجهی دریافت نکند، در نوجوانی و جوانی چشم، گوش و حواس خود را به دیگران می‌دهد و بر یاد می‌رود. فقط نگاه کردن به کودک کافی نیست بلکه باید او را ببینید و تنها، شنیدن صدای او کافی نیست و باید به او گوش دهید.

■ از آن طرف بام پرت نشود

جالب است گاهی والدین از طرف دیگر بام پرت می‌شوند. یعنی آنقدر کودک را مرکز توجه و اهمیت و لوس کردن قرار می‌دهند که به خودخواه‌ترین و بی‌مسئولیت‌ترین بشر روی زمین تبدیل می‌شود. او فقط اکسیژن و انرژی جهان هستی را مصرف می‌کند و هیچ کاری از او بر نمی‌آید جز بارشدن روی دوش دیگران. چنین والدینی نوعی درماندگی را در فرزند خود رشد می‌دهند که موجب می‌شود او تا ابد یک فرد درمانده و کم‌توان باشد. کودک یاد می‌گیرد هیچ کاری انجام ندهد و برای تغییر شرایط خود قدمی برندارد. او چسه در کودکی و چه در جوانی نمی‌تواند هیچ دستاورد مهمی داشته باشد چون یاد نگرفته است چگونه از توانایی‌های خود در حل مسائل بهره‌برند. او فقط یاد گرفته است یک گوشه بنشینند تا دیگران امور را برای او پیش ببرند. او فقط یاد گرفته است ملکه یا پادشاه خانه باشد و دیگران مانند زیر دست برای او همه امور را حل و فصل کنند. آدم دلش برای این بچه‌ها می‌سوزد که چقدر در چنین درماندگی‌ای بی‌تقصیر هستند. چ‌را والدین چنین

ظلمی در حق کودک خود می‌کنند؟ چرا به او مسئولیت نمی‌سپارند و چرا به او بارزش بودن را یاد نمی‌دهند؟ کودک باید ببیند که در این دنیا نقشی دارد تا زندگی هدفمند یکی از ویژگی‌های مهم دوران نوجوانی و جوانی او باشد. والدینی که در خردسالی هیچ مسئولیتی بر عهده فرزند خود نمی‌گذارند پس در دوران نوجوانی و جوانی او نباید از خرج کردن‌های بی‌بیهوده و وقت‌گذرانی‌های بی‌هدف او شکایتی داشته باشند، زیرا خود آنها بذر چنین بی‌فناوتی و بی‌مسئولیتی را در او پرورش داده‌اند؛ درماندگی یعنی واماندگی. کودک را در مانده نکنیم تا در جوانی از همنس‌های خود وا نماند. این زندگی برای هیچ‌کسی صبر نمی‌کند و مسیر رو به جلوی خود را ادامه می‌دهد. این ماهستیم که باید سرعت قدم‌های خود را بیشتر کنیم تا از زندگی و نامانیم. والدین با توجهات افراطی و پرتوقع کردن کودک خود، پاهای او را زنجیر نکنند، زیرا او باید دویدن را یاد بگیرد. نه آنقدر او را ندید بگیرید که سر خورده شود و نه آنقدر او را پر نرگ ببینید

د

بی تردید فرزند پروری فقط به رشد دادن جسم کودک نیست. قرار می‌دهند که به خودخواه‌ترین و بی‌مسئولیت‌ترین بشر روی زمین تبدیل می‌شود. او فقط اکسیژن و انرژی جهان هستی را مصرف می‌کند و هیچ کاری از او بر نمی‌آید جز بارشدن روی دوش دیگران. چنین والدینی نوعی درماندگی را در فرزند خود رشد می‌دهند که موجب می‌شود او تا ابد یک فرد درمانده و کم‌توان باشد. کودک یاد می‌گیرد هیچ کاری انجام ندهد و برای تغییر شرایط خود قدمی برندارد. او چسه در کودکی و چه در جوانی نمی‌تواند هیچ دستاورد مهمی داشته باشد چون یاد نگرفته است چگونه از توانایی‌های خود در حل مسائل بهره‌برند. او فقط یاد گرفته است یک گوشه بنشینند تا دیگران امور را برای او پیش ببرند. او فقط یاد گرفته است ملکه یا پادشاه خانه باشد و دیگران مانند زیر دست برای او همه امور را حل و فصل کنند. آدم دلش برای این بچه‌ها می‌سوزد که چقدر در چنین درماندگی‌ای بی‌تقصیر هستند. چ‌را والدین چنین

نقش تربیتی زنان از نگاه مقام معظم رهبری

هیچ کس جز مادر نمی‌تواند مادری کند



۱۳۷۱/۹/۲۵

۲- «بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۶۹۴۷۱

کودک شما نیازمند دیده و شنیده شدن است

فرزند خود را بزرگ تربیت کنیم



که دیگر هیچ چیز جز خودش برایش مهم نباشد. او را ببینید، اما به موقع. او را بشنوید، اما به موقع. گاهی بهتر است یاد بگیرد برای دیده شدن و شنیده شدن صبر و تلاش به خرج دهد.

■ تربیت مگابابایی دیگر نوبر است!

خنده‌دارترین نوع تربیت هم تربیت مگابابایی است، یعنی والدین از لحظه به‌لحظه کودک خود آنقدر پست‌های اینستاگرامی تهیه می‌کنند که زندگی برای کودک معنای مگ و گیگ پیدا می‌کند. کودک عادت می‌کند والدین خود را مساجی در این مقاله راهی است برای عشق واقعی را یاد نگرفته است. مطمئن باشید کودکی که محبت را در قالب قلب‌های قرمز اینستاگرامی لمس کرده است، هر گز عصبی دوران پیری و کوری شما نخواهد شد، زیرا آن زمانی که باید به او توجه می‌کردید فقط برایتان وسیله‌ای شده بود که با آن لایک جمع کنید. او هم یک روز در قالب یک پست اینستاگرامی شما را پشت در آسایشگاه‌های سالمندان خواهد گذاشت و طی یک متن بلندبالا از زحمات غیرواقعی شما تشکر خواهد کرد و دیگران هم پست او را لایک می‌کنند و طی چندین نظر از صبر و حوصله‌ای که تالان برای شما خرج داده بود تشکر خواهند کرد.

قبل از آوردن مساجی به این گنجی فکر کنید که چقدر برای والد بودن آماده‌اید. بچه آوردن فقط چپ‌هارت پست اینستاگرامی و دست و پاهای تیل و لب‌های غنچه‌ای نیست. فرزند نیاز به پروراندن دارد. فرزند نیاز به رشد دارد. فرزندآوری زیباست، اما اگر شما هنوز خودتان بزرگ نشده‌اید، پس چگونه می‌خواهید یک نفر دیگر را بزرگ کنید؟ اینکه بگویید می‌سپاریم به خدا کافی نیست. درست است که خدا رحیم است، اما هرگز ننگته نمی‌بیرد. کودک ما مانند یک اینه می‌ماند. قدم‌های لازم را برارید تا خداوند هم برکت‌های لازم را به شما عطا کند. اول از ثبات مالی و اخلاقی خود مطمئن شوید و بعد اقدام به فرزندآوری کنید. مطمئن باشید آن وقت خداوند هم برکت‌های خود را نشان خواهد داد. اجازه ندهیم کودک ما در حسرت بزرگ شود، خواه حسرت یک عروسک و لباس زیبا و خواه حسرت یک بوسه و حرف محبت‌آمیز. احترام او را نگه دارید تا از او احترام دریافت کنید. کودک ما مانند یک اینه می‌ماند. آن چیزی را منعکس می‌کند که در آن نقش می‌بندد. احترام، ادب، محبت و توجه یک جاده دو طرفه است. او اگر از شما اینها را یاد نگیرد پس موقع درس پس دادن حسایی شما را به چالش و زحمت خواهد انداخت.

آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. ۱۳۷۵/۱۲/۲۰
۳- شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیابوردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخ‌های ابریشم ظریف‌تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده عاطفی آ نشود، هیچ کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند؛ نه پدرش و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است، اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ۱۰فقر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعیین با این است. ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

۴- علت اینکه اسلام اینقدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده بایندد شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده- فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال اینها ندارد. ۱۳۷۵/۱۲/۲۰

سبک نگرش



اهمال کارها هم می‌توانند کارهای مهمی انجام دهند

یک اهمال کار پرکار و محبوب!

انگشت شماری داشته باشند اهمال کاری را کنار خواهند گذاشت و همان کارهای کم را سامان خواهند بخشید، اما در این رویکرد، ماهیت اساسی فرد اهمال کار نادیده گرفته شده و مهم‌ترین منشأ انگیزه‌اش از بین رفته است. وظایف معدودی که در این فهرست قرار می‌گیرند ذاتاً مهم‌ترین وظایف خواهند بود. بنابراین تنها راه طفره رفتن از آنها انجام ندادنشان خواهد بود. پس با این روش، به فردی تامل و تن‌پرور تبدیل خواهید شد، نه انسانی اثربخش. شاید اینجا می‌رسید که «حالا تکلیف وظایف مهم در صدر فهرست چه می‌شود؟» باید قبول کنیم که این وظایف احتمالاً مشکل ساز خواهند شد.

ماه‌ها قصد نگارش این مقاله را داشتم. سؤال این استست چرا حالا این کار را می‌کنم؟ چون بالاخره وقت آزاد پیدا کردم؟ اینطور نیست، بلکه حاضر، بر گه‌های امتحانی تصحیح نشده دارم، یک پروپوزال کمک‌هزینه تحصیلی روی دستم مانده برای بررسی و باید پیش نویس چند پایان‌نامه را هم مطالعه کنم. در واقع کارکردن روی این مقاله راهی است برای انجام‌دادن همه آن کارها. این اساس چیزی است که من اهمال کاری ساخت یافته می‌نامم، استراتژی شگفت‌انگیزی که کشف خودم است و از اهمال کاران انسان‌های اثربخشی می‌سازد که محبت را در قالب قلب‌های قرمز اینستاگرامی لمس کرده است، هر گز عصبی دوران پیری و کوری شما نخواهد شد، زیرا آن زمانی که باید به او توجه می‌کردید فقط برایتان وسیله‌ای شده بود که با آن لایک جمع کنید. او هم یک روز در قالب یک پست اینستاگرامی شما را پشت در آسایشگاه‌های سالمندان خواهد گذاشت و طی یک متن بلندبالا از زحمات غیرواقعی شما تشکر خواهد کرد و دیگران هم پست او را لایک می‌کنند و طی چندین نظر از صبر و حوصله‌ای که تالان برای شما خرج داده بود تشکر خواهند کرد.

اگر تمام کار بر زمین مانده همین فرد اهمال کار تراشیدن چند مداد بود، هیچ نیرویی روی زمین نمی‌توانست او را به این کار وادار کند. با این حال، اهمال کار را می‌توان به انجام وظایف دشوار، پیچگام و مهمی برانگیخت، به شرطی که این وظایف راهی باشند برای انجام ندادن کارهایی از آن هم مهم‌تر. راهی است برای انجام‌دادن کاری مهم‌تر. اگر تمام کار بر زمین مانده همین فرد اهمال کار تراشیدن چند مداد بود، هیچ نیرویی روی زمین نمی‌توانست او را به این کار وادار کند. با این حال، اهمال کار را می‌توان به انجام وظایف دشوار، پیچگام و مهمی برانگیخت، به شرطی که این وظایف راهی باشند برای انجام ندادن کارهایی از آن هم مهم‌تر.

برای بهره‌گیری از استراتژی اهمال کاری - ساخت یافته، ابتدا باید وظایف محوله خود را به ترتیب اهمیت رتبه‌بندی کنید، از فوری‌ترین کارها تا کم‌اهمیت‌ترین آنها. هرچند که مهم‌ترین وظایف در صدر فهرست جای دارند، کارهای مفید دیگری نیز باید که در رده‌های پایین‌تر این فهرست قرار می‌گیرند. انجام این کارها راهی می‌شود برای انجام‌تدادن وظایفی که در رده‌های بالاتر جای دارند. با بهره‌گیری از این ساختار وظایف می‌توانید شپروند مفیدی شوید. در واقع، اهمال کاران می‌توانند به‌خاطر انجام آنبوهی از کارها اعتبار خاصی کسب کنند، مثل من. کامل‌ترین نمونه اهمال کاری ساخت یافته که برایم پیش آمده است، وقتی بود که من و همسرم در «سوئو هاوس»، خوابگاهی در دانشگاه استنفورد، استاد مقیم بودیم. هر روز عصر، به جای اینکه بر گه‌ها را تصحیح کنم، برای ارائه درس فردا آماده شوم و کارهای کمت‌تر دانشگاه را انجام دهم. از خانه‌مسان که نزدیک خوابگاه بود، بیرون می‌زدم و به سالن استراحت می‌رفتم و با ساکنان خوابگاه پیگ‌بنگ بازی می‌کردم و با آنها در اتاقشان درباره مطالب مختلف گفت‌وگو می‌کردم. با فقط در سالن می‌نشستم و روزنامه می‌خواندم. به‌خاطر اینکه استاد مقیم فوق‌العاده‌ای بودم اعتبار خاصی کسب کردم، یکی از آن استادان نادر در پردیس دانشگاه که دانشجویان وقت می‌گذازند و آنها را می‌شناخت. چه راهکار جالبی! بازی پیگ‌بنگ به‌عنوان راهی برای انجام‌دادن کارهای مهم‌تر و در عوض، کسب اعتبار مثل آقای جیبس (اسم معلمی محبوب است در داستان خداحافظ آقای جیبس، اثر جیمز هیلتون نویسنده انگلیسی) اهمال کاران اغلب مسیری کاملاً اشتباه انتخاب می‌کنند. آنها سعی می‌کنند تعهدات خود را به حداقل برسانند، با این تصور که اگر کارهای

نقل از وب سایت ترجمان

نوشته: جان پری | ترجمه: مجتبی هاتف / مرجع: کرونیکل او هابر اچوکیشن